



عالم مثال در اندیشه سهروردی و نتایج فلسفی و کلامی آن

مهدی نجفی افرا^۱، زینب نادى^۲

^۱ دانشیار گروه فلسفه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mhnjaf2002@yahoo.ca

^۲ دانشجوی دکترای فلسفه اسلامی گروه فلسفه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

z.nadi1351@gmail.com

چکیده

یکی از ابتکارات فلسفی شیخ اشراق که در پیشینیان وی دیده نمی شود، عالم مثال است، عالم هستی از لحاظ وجود شناسی دارای مراتبی است که پائین ترین مرتبه آن عالم ماده و متعالی تر از آن، عالم مثال است که این عالم محتوی صورتهای مقداری و محسوس است که از یک سو شبیه به معانی مجردی است که در عالم عقول اند و از سوی دیگر مانند موجودات عالم محسوس می باشد و به نامهای مختلف از جمله عالم اشباح، صور و عالم نفوس منطبقه و نیز مثل معلقه و خیال منفصل نامیده می شود. سهروردی با اثبات عالم مثال، در توجیه و تفسیر اموری از جمله معاد جسمانی و مواعید نبوی و تفسیر خیال متصل گام بزرگی برداشته است و راه را برای فلاسفه بعدی مانند ملاصدرا در گره گشایی از مفاهیم مهم فلسفی هموار نموده است و عالم مثال علاوه بر چهره وجود شناسی، از جنبه معرفت شناسی نیز برخوردار است، خیال که در عرفان از آن به قلب تعبیر شده، در عرفانی چون ابن عربی منشأ تأثیرات مهمی بوده است

کلید واژه: عالم مثال، خیال، برزخ، خیال منفصل، سهروردی.

مقدمه

عالم مثال از جمله مباحثی است که در حوزه های فکری فلسفی و عرفانی مورد توجه بوده است و در مباحثی چون هستی شناسی و دین شناسی و معرفت شناسی حائز اهمیت است. این عالم، منبع الهام حقایق و افاضه معارف به قوه خیال انسانی است و هم چنین عالم مثال با اوصافی که از طرف سهروردی برای آن بیان می شود، زمینه پیوند و سازگاری دین و فلسفه و عرفان را آماده و مهیا می سازد. و از آنجا که فحوص پیرامون عالم مثال، هم جنبه معرفت شناسانه و هم وجود شناسانه دارد و با تحقیق پیرامون این عالم و آشنایی با چگونگی و خصوصیات و انگیزه طرح این عالم از سوی سهروردی به ضرورت وجودی این عالم پی می بریم.

بحث عالم مثال یا خیال منفصل از مباحث مهم فلسفی است که برای اولین بار در تاریخ تفکر اسلامی در اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی ملقب به شیخ اشراق مطرح شده است و پس از او نیز عرفا و صوفیه از قبیل محی الدین ابن عربی معروف به شیخ اکبر و نیز

شارحین عقاید و نوشته های او همچون داود قیصری به طور مفصل پیرامون این قضیه داد سخن داده اند.

شیخ اشراق برخلاف جهان شناسی مشائی که جهان مخلوقات را تحت عنوان عالم به سه طبقه تقسیم می کند: (الف- عالم عقول؛ ب- عالم نفوس؛ ج- عالم طبیعت و ماده)، عالم را به چهار طبقه تقسیم می کند که به ترتیب عبارتند از: (الف- نور الانوار؛ ب- عالم انوار قاهره؛ ج- عالم مثال؛ د- عالم طبیعت و ماده)

و در همین عالم مثال است که در مرتبه نزول هستی از تجرد تام آن و در هر مرتبه صعودی، از مادیت تام آن کاسته می شود، بنابراین، این عالم خصوصیات هر دو عالم بالاتر و پایین تر را در خود داشته و از جهت سختی با هر دوی آن ها، موجب ارتباط آن ها با یکدیگر می شود.

خصوصیات و مشتملات عالم مثال، جغرافیای این عالم، آثار و نتایج اعتقاد به عالم خیال منفصل و ادامه اثبات و انکار این عالم در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

مراتب هستی از دیدگاه سهروردی

اما سهروردی در بحث هستی شناسی مراتب مخلوقات و ماسوی الله آنها را به چهار گروه تقسیم می کند، براساس دیدگاه وی مبنای این طبقه بندی مکاشفات و تجربیات فردی است چنانکه می گوید: «ولی فی نفسی تجارب صحیحیه تدل علی أن عوالم اربعه: انوار قاهره، انوار مدبره، و برزخیان و صور معلقه ظلمانیه و مستنیره فیها العذاب للاشقیاء» (سهروردی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۳۲)

در واقع او عوالم را به چهار مرتبه تقسیم می کند، ۱. انوار قاهره، ۲. انوار مدبره ۳. موجودات مادی و برزخ ۴. صور معلقه نورانی و ظلمانی انوار قاهره شامل عقول طولیه و عرضیه یعنی مثل افلاطونی هم می شود. اما فوق همه اینها نور الانوار واقع شده است، عالیه ترین و برترین مرتبه هستی، نور الانوار است. اوصاف نور الانوار را سهروردی چنین بیان می کند:

«النور الاعظم الاعلی، النور القاهر لجميع الانوار، لشدۀ اشراقه و قوۀ لمعان نوره، الغیر المتناهی شدۀ و قوۀ...» (سهروردی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳۸). «نور الانوار، نور اعظم و اعلی و نور محیط و قهار است بر همه نورها به خاطر شدت اشراق نورش، و شدت و قوت این نور غیر متناهی است.»